



## ابعاد سیاسی جهانی شدن

*Morten Ougard, Political Globalization, State, Power and Social Forces, New York, Palgrave, 2004, 236pp.*

### مقدمه

جهانی شدن دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی متعددی است. رشد سریع فناوری ارتباطات، موجب نزدیکی هر چه بیشتر جوامع به یکدیگر شده است. در حال حاضر پدیده جهانی شدن، یکی از موضوعات مهم مطالعاتی بوده و توجه اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است. کتاب حاضر، ابعاد سیاسی فرآیند جهانی شدن را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. این ابعاد شامل تغییراتی در روابط بین فرآیندهای سیاسی و دولت ملی است که مشخصه عمده آن سرزمینی بودن است. در حال حاضر، جهانی شدن روند دوگانه‌ای را طی می‌کند که براساس آن دولت ملی و شرایطی که در آن چارچوب سیاست‌های دولت ملی شکل می‌گیرد محدودیت بیشتری می‌یابند اما روابط سیاسی بین‌المللی و فراملی چندجانبه، توسعه یافته و تقویت می‌شوند.

در این شرایط، روند متعارض و دوگانه علیه دولت ملی به وجود می‌آید که از یک سو تحت فشار نیروهای فروملی و از سوی دیگر تحت تأثیر نیروهای فراملی است. (۱) در چنین روندی دولت‌های ملی رفته‌رفته باید به عنوان جزئی از ساختار سیاسی پیچیده بین‌المللی قرار گیرند. جهانی شدن، نه تنها به چالش‌های پیش‌روی دولت‌های ملی و فرصت‌های ناشی از هم‌گرایی روزافزون اقتصاد جهانی مربوط می‌شود؛ بلکه به سازمان‌های سیاسی جوامع که به تدریج در درون سیستم سیاسی جهانی و بین‌المللی منسجمی حل می‌شوند، معطوف می‌گردد.

در مطالعه روابط بین‌الملل و موضوع اصلی آن یعنی دولت‌های ملی، تاکنون سه چالش بزرگ به وجود آمده است. چالش نخست، میان واقع‌گرایان و آرمانگرایان بود که برای چندین دهه مباحث این حوزه را شکل دادند و در چارچوب اصول اساسی خود به تبیین رویدادها پرداختند. چالش بزرگ دوم با پیدایش رهیافت علم‌گرایان یا رفتارگرایان به وجود آمد که به رودررویی دو شیوه قبلی انجامید و آنها را به دلیل نگرش پیشینی به مسایل با عنوان سنت‌گرایان در یک مجموعه قرار داد. چالش بزرگ سوم به تقابل و مباحثه میان رهیافت‌های دولت محور و رهیافت‌های فراملی‌گرایانه اختصاص یافته است. رهیافت دولت محور به دیدگاه واقع‌گرایان در مباحثه نخست نزدیک است و رهیافت فراملی‌گرایان در مباحثه نخست به آرمانگرایان و در مباحثه دوم به جهان‌گرایان نزدیک می‌شود. (۲) رهیافت علم‌گرایان، روش‌های مطالعه روابط بین‌الملل را توسعه داد و محور تلاش‌ها را بر بهبود ابزارهای معرفت این حوزه قرار داد که عمدتاً از پیشرفت‌های علوم دقیقه متأثر بود. در حالی که دو رهیافت نخست عمدتاً بر مباحث نظری و برداشت‌های ذهنی استوار بود، چالش سوم از ابزارهای دقیق و بررسی‌های تجربی بهره می‌گرفت و در پی استفاده از چارچوب‌های نظری منسجم بود. هرچند که چالش اصلی آن، در مورد حوزه بحث و نقطه تمرکز آن وجود داشت و می‌بایست به این سؤال پاسخ می‌داد که آیا می‌توان بر نیروهای فراملی یا دولت‌های ملی تکیه کرد؟

### معرفی کتاب

عنوان کتاب، «ابعاد سیاسی جهانی شدن» انتخاب شده است تا نشان دهد که فرآیند جهانی شدن، ابعاد سیاسی مهمی دارد و می‌توان به صورت نظری و تجربی این پدیده را مورد بررسی قرار داد. البته این بررسی نمی‌تواند تمام جوانب موضوع را دربرگیرد زیرا این موضوع می‌تواند سیاست و روابط بین‌المللی را هم شامل شود. هدف کتاب این است که بر روی برخی جوانب برگزیده تمرکز نماید. دولت، قدرت و نیروهای اجتماعی سه عنوان فرعی کتاب هستند که در روند جهانی شدن مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

در گذشته عنوان حکومت جهانی برای توصیف این موضوع به کار می‌رفت. حکومت جهانی به عنوان سازمان و فرآیندی تعریف می‌شد که در آن، قوانین فراگیر برای فعالیت‌های

سیاسی، اجتماعی و مسایل و امور عمومی جهانی وضع می‌شود. منشاء این قوانین می‌توانست هم سازمان‌های بین دولتی و هم الگوهای همکاری میان دولت‌های ملی را دربرگیرد و یا حتی از طریق مشارکت بخش خصوصی و عمومی به وجود آید. اکنون باید به این حوزه از زاویه نظریه‌های دولت توجه کرد تا پدیده‌های سیاسی در بافت تاریخی و اجتماعی بررسی شوند و ابعاد و ویژگی‌های دولت مثل وظایف، اهداف و نقش‌های آن مورد توجه قرار گیرند. ابعادی که از طریق سیستم حکومت، روابط قدرت بین نیروهای اجتماعی و ماهیت رهبری تحقق می‌یابند. این ابعاد و ویژگی‌ها می‌توانند در یک جا تحت عنوان جهانی شدن جمع شوند اما لزوماً همانند ویژگی‌های دولت ملی نخواهند بود.

مباحث این کتاب، شباهت زیادی به تجزیه و تحلیل کتاب «جهانی شدن سیاست» نوشته اون لورد<sup>۱</sup> و یا «نظریه دولت جهانی» نوشته مارتین شاو<sup>۲</sup> دارد. (۳) این کتاب‌ها در مورد جامعه و دولت مباحث نظری مفیدی ارائه کرده‌اند، اما در کتاب حاضر نویسنده سعی کرده تا جهانی شدن سیاست را به شیوه متفاوتی مطرح نماید و در نتیجه به نتایجی متفاوتی هم رسیده است. بحث نظری با مفاهیم متعددی همراه است و با معیارهای تجربی به محک آزمایش گذاشته شده است. نویسنده معتقد است که جهانی شدن در حوزه علوم اجتماعی قرار دارد و علاوه بر بحث نظری نیازمند مفهوم‌سازی هم هست. به همین دلیل است که نویسنده با ارائه بحث نظری و مفهوم‌سازی نسبتاً وسیع، ابعاد سیاسی جهانی شدن را به صورت عینی مورد بررسی قرار می‌دهد.

از نظر نویسنده، جهانی شدن یک امر واقعی است و تمامی مطالبی که به طور روزافزون در مورد این موضوع به رشته تحریر درمی‌آیند؛ درباره دال و مدلول آن توافق نظر دارند اما در مورد بررسی آن معمولاً رهیافت واحدی وجود ندارد. جهان‌گرایان، بین‌المللی‌گرایان و تحول‌گرایان رویکردهای مهم این حوزه را شکل داده‌اند. کتاب حاضر عمدتاً در قالب رویکرد سوم یعنی تحول‌گرایی<sup>۳</sup> قرار می‌گیرد. هرچند برخی در مورد جهانی شدن غلو کرده‌اند، اما

---

1. Evan Luard

2. Martin Show

3. Transformationalist

تغییرات اساسی و قابل ملاحظه‌ای در جوامع و در سطح جهان به چشم می‌خورند که به صورت تدریجی همه ابعاد زندگی فردی، اجتماعی و حکومتی را تحت الشعاع قرار داده است. هم‌گرایی اقتصاد جهانی که خود پدیده‌ای چندبعدی است، از مهم‌ترین این تحولات است. توسعه فنآوری ارتباطات و زیرساخت‌های ارتباطی، ظهور جوامع چندفرهنگی، مشکلات جهانی زیست‌محیطی، گسترش سازمان‌های بین‌المللی، انعقاد توافق نامه‌ها و ایجاد رژیم‌های بین‌المللی، ظهور بازیگران فراملی غیردولتی و پایان جنگ سرد از جمله همین تحولات می‌باشند. تأثیر این تحولات، جهان را به حدی دگرگون ساخته است که به گفته سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی: «ما اکنون وارد یک عصر جهانی<sup>۱</sup> شده‌ایم» (۴).

در عصر جهانی شدن، بازیگران در چارچوبی عمل می‌کنند که روز به روز در حال بین‌المللی‌تر شدن است. این چارچوب از ترکیب فرآیندهای ملی، فراملی و بین‌المللی تشکیل می‌شود و در آن دولت‌ها، بازیگران غیردولتی و سازمان‌های بین‌المللی با الگوهای رفتاری جدید در کنار هم به ایفای نقش می‌پردازند. تشکیل چارچوب جدید موجب شکل‌گیری مقاومت در برابر آن شده است. جهان در سال‌های گذشته، شاهد ظهور جنبشی عظیم علیه جهانی شدن و یا علیه الگوی موجود بین‌المللی شدن بوده است. فعالان این جنبش اهداف واحد و یکسانی ندارند و این جنبش در حال حاضر به صورت فراملی ظهور نیافته و پیشینه تاریخی واضحی هم ندارد. با این حال مقاومتی در برابر جهانی شدن شکل گرفته است که نباید نادیده گرفته شود. اکنون جهانی شدن بیش از گذشته به سوی سیاسی شدن تمایل دارد و هم‌زمان دانشگاهیان و سیاستمداران نیز تمایل بیشتری برای یافتن گزینه‌های مناسب برای جهانی شدن نشان می‌دهند و در این راه پیشنهاد‌های مختلفی از جمله رویه‌های اصلاح‌طلبانه و میانه‌رو برای پیشبرد مسؤولیت‌پذیری و شفافیت تا ایجاد دموکراسی جهانی ارایه می‌شود. در سیاست‌های داخلی بسیاری از کشورها نیز شکاف‌های سیاسی جدیدی بین طرفداران و مخالفان جهانی شدن و بین مخالفان و موافقان تکثر فرهنگی، یا آنها که طرفدار استقلال ملی هستند و از درگیر شدن در امور بین‌المللی واهمه دارند با کسانی که نظر مخالف دارند، به وجود آمده است.

به طور خلاصه در آغاز قرن بیست و یکم، نظم جهانی به شیوه‌های جدیدی سیاسی‌تر شده است. برای مدیریت و سازماندهی امور رایج جهانی راه‌های جدیدی مطرح شده و در قالب‌های جدیدی به اجرا گذاشته می‌شوند. مارتین اوگارد دارای دکترای علوم سیاسی از دانشگاه آرهوس متخصص اقتصاد سیاسی بین‌المللی است. وی ریاست گروه مطالعاتی تجارت بین‌المللی را بر عهده دارد و تاکنون هشت جلد کتاب منتشر کرده است. علاوه بر کتاب حاضر، اوگارد دو کتاب دیگر نیز با عنوان‌های «جهان سوم در سیستم حکومت جهانی» (۲۰۰۳) و «به سوی حکومت سیاسی جهانی» (۲۰۰۲) منتشر کرده است. تدوین این کتاب حاصل مباحث نویسنده در مؤسسه امور بین‌الملل دانمارک در حوزه سازمان‌های بین‌المللی و جهانی است. (۵)

### مروری بر مباحث کتاب

مباحث نظری و مفهومی که دارای لایه‌های متعدد انتزاعی و کلی هستند، به دقت و موشکافی زیادی نیاز دارند. برخی از مباحث جهانی شدن، چندین پرسش اساسی را مطرح می‌کنند که جزو پرسش‌های عمومی در علوم اجتماعی هستند و برخی به دیگر مفاهیم جزئی‌تر مانند سیاست، دولت و قدرت مربوط می‌شوند که در سطح جهانی هم مورد استفاده قرار می‌گیرند. با این حال، همین پرسش‌های جزئی نیز در سطوح مختلف انتزاعی و کلی هستند. مفهوم انتزاعی دولت که در مقام تجزیه و تحلیل مشکلات ویژه‌ای دارد، از این جمله است. کتاب همه این مباحث را در بردارد اما به جای اینکه مباحث نظری را در ابتدا طرح و سپس به مباحث عینی بپردازد؛ شیوه دیگری را اعمال کرده است. نویسنده پس از مقدمه، فصلی را به مباحث نظری و فصل بعد را به مباحث عملی و تجربی اختصاص داده و این ترتیب تا آخر کتاب ادامه دارد.

کتاب «ابعاد سیاسی جهانی شدن» از ده فصل تشکیل شده است. فصل نخست مقدمه کتاب است و فصل پایانی به نتیجه‌گیری از مباحث طرح شده اختصاص دارد. هر دو فصل به صورت کلیات طرح شده‌اند.

عنوان فصل دوم کتاب، مباحث نظری عمومی است که چهار موضوع را دربرمی‌گیرد. نویسنده در ابتدا به اصل تکمیل بوهر<sup>۱</sup> فیزیکدان دانمارکی و برنده جایزه نوبل ۱۹۲۸ می‌پردازد که در تبیین ماهیت نور، هر دو نظریه ذره‌ای و موجی بودن نور را کلان دانسته و تشریح واقعیت را با هیچ یک از آنها کافی نمی‌داند. وی از نظریه بوهر دریافت معرفت‌شناسانه دارد و آن را برای تشریح مسایل اجتماعی مفید می‌داند. در این قالب، نویسنده نظام حکومت جهانی را از دو منظر هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه مورد بحث قرار می‌دهد و معتقد است که نظریه تکمیل بوهر در بحث معرفت‌شناسانه بسیار مناسب است. هرچند این اصل در علوم اجتماعی کمتر شناخته شده است.

مبحث دوم این فصل به بحث نظری ساختار - کارگزار اختصاص دارد. سؤال از ساختار و کارگزار یکی از مهم‌ترین مسایل نظری در حوزه علوم اجتماعی است. موضوع اصلی این است که آیا ساختارها محدودیت یا توانایی لازم را برای انسان‌ها فراهم می‌آورند و یا کارگزاران و انسان‌ها هستند که با رفتار خود به ساختارها شکل می‌دهند؟ مبحث سوم این فصل به تقابل و تأثیر نیروهای مجازی و مادی در روابط بین‌المللی می‌پردازد. درک بازیگران، ساختارهای هویتی و ارزش‌ها در فهرست نیروهای مجازی قرار دارند؛ اما مفهوم استقلال و درک بازیگران از آن در رفتار آنها بسیار تعیین‌کننده است. در عین حال در فرآیند جهانی شدن، ناگزیر به بررسی نقش نیروهای مادی مثل اقتصاد هستیم. رویکرد جامعه‌شناسانه کلان مجازی، عنوان مبحث پایانی فصل نظری کتاب است. از نظر نویسنده حکومت‌داری جهان یا سیستم حکومت جهانی، پدیده‌ای اجتماعی است که باید در چارچوب فکری مشخصی مطرح شود تا بتوان در تحلیل موضوع از روش‌های تأویلی و معرفت‌شناسانه بهره گرفت. رویکرد مجازی در تحقیق به معنای تمرکز صرف بر مؤلفه‌های مجازی نیست و نویسنده آن را اولین و تنها منبع تبیین رفتار نمی‌داند؛ بلکه آن را جزئی از رفتار و مؤثر بر آن می‌داند که بدون توجه به آن نمی‌توان تبیین کاملی از موضوع ارائه داد. نقش مؤلفه‌های مادی و مجازی و تعامل آنها، موضوع اصلی این مبحث است. در نهایت نویسنده نظر خود را مبنی بر ضرورت وجود یک راهبرد پژوهشی

کلی و تحلیل‌گر اندیشه‌های جامعه‌شناختی کلان یادآور می‌شود که طبق آن، پدیده‌های سیاسی باید در بافت اجتماعی مطالعه شوند.

بر اساس مباحث طرح شده در فصل دوم، نویسنده در فصل سوم به بررسی عملی ویژگی‌های اصلی روند شکل‌گیری جامعه جهانی می‌پردازد. در این فصل، مباحثی چون دوران‌سازی و همگن‌سازی منظم، نرم‌ها و هنجارهای مشترک، دموکراسی بازار، اشاعه جهانی سرمایه‌داری، دولت سرمایه‌داری مدرن و گسترش دموکراسی در متن تاریخی و اجتماعی ارایه می‌شود. نویسنده با تشریح موارد تجربی، به تبیین روند جهانی شدن در بستر تاریخی و اجتماعی می‌پردازد و می‌کوشد به این سؤال پاسخ دهد که آیا جهان امروز صلح‌آمیزتر از دوران‌های گذشته است؟ اوگارد با بررسی ساختار جامعه جهانی معاصر در چارچوب فکری و نظری خود و با اشاره به گسترش نرم‌ها و هنجارهای مشترک در جهان، دموکراسی بازار، اشاعه سرمایه‌داری و دموکراسی، آنها را دلیلی بر گسترش صلح و به وجود آمدن جهانی صلح‌آمیز بیان می‌کند؛ اما نتیجه‌گیری از ابعاد سیاسی جهانی شدن در متن اجتماع را بدون توجه به مفهوم دولت و حاکمیت دولتی ناقص می‌داند و فصل بعدی کتاب را به این موضوع اختصاص داده است.

فصل چهارم به تبیین مفهوم دولت و ابعاد گوناگون جهانی شدن حاکمیت دولتی اختصاص یافته است. نویسنده، ویژگی‌ها و ابعاد گوناگون دولت را بر شمرده و معتقد است که برخی از این ویژگی‌ها صبغه‌ای جهانی دارد. سیستم حکومت جهانی، ویژگی‌ها و اولویت‌هایی شبیه دولت ملی دارد و بررسی مفهوم دولت و کارکردها و ویژگی‌های آن می‌تواند به فهم سیستم حکومت جهانی کمک کند. در این فصل نویسنده با تکیه بر مفهوم لیبرالی دولت و نظریه وبر در این خصوص که بر مبنای حاکمیت رسمی و انحصار در اعمال خشونت تعریف شده، می‌کوشد چگونگی بروز و نمود این ویژگی‌ها را در سیستم حکومت جهانی تحلیل کند.

بحث نظری فصل چهارم در فصل پنجم عملیاتی شده است تا شواهد عینی و تجربی از وضعیت حکومت جهانی ارایه شود. عنوان فصل پنجم، «زیر ساخت نهادی حکومت جهانی» است که با بهره‌گیری از ادبیات رابرت کوهن تشریح می‌شود. سیستم حکومت جهانی، شامل تعداد کثیری سازمان، رژیم، قواعد مشخص و کنوانسیون است که همانند اجزای دولت ملی

کارکردهای سیاسی داشته و به روند امور شکل می‌دهند. سازمان ملل در مرکز حکومت جهانی قرار دارد. این سازمان به همراه تعداد زیادی از سازمان‌های مرتبط، وظیفه بسیار مهم حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را برعهده دارد و تاکنون در امور جهانی نقش مهمی را ایفا کرده است. گروه هشت، سازمان دیگری است که نقش مهمی در عرصه جهانی دارد. هرچند اعضای این گروه برخلاف سازمان ملل به هفت کشور صنعتی و روسیه محدود است اما تصمیمات مهمی در آن اتخاذ و به اجرا گذاشته می‌شود و پیوندهای بسیار نزدیکی با سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) دارد. تصمیم‌گیری‌های مشترک در خصوص امور جهانی در این سازمان‌ها نشان دهنده رشد پیوندهای جهانی و شکل‌گیری حکومت جهانی است.

سه بعد از ابعاد مختلف دولت مورد توجه ویژه نویسنده قرار گرفته است: دولت به عنوان مجموعه‌ای از سازمان‌ها و نهادها که در فصل قبل در سطح جهانی تشریح شد، نقش کلی قدرت و مقاومت و نقش دولت در بازتولید روابط قدرت.

ویژگی دوم دولت در فصل ششم به صورت نظری و با بهره‌گیری از اصل دوگانگی، طرح شده از سوی کارل مارکس و رابرت گلپین<sup>۱</sup>، و اصل قدرت / مقاومت در نظریه نیکوس پولانتزاس<sup>۲</sup> مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این فصل نیز اصل تکمیل بوهر بر مباحث نظری سایه افکننده و نقش مهمی در تشریح کارکرد دولت و دوگانگی قدرت / مقاومت و منطق هر کدام از آنها ایفا می‌کند. دوگانگی در سرمایه‌داری، قدرت دولت و نیروی مقابل آن به همراه کارکردهای دولت، منطق سیاسی این کارکردها و چگونگی کارکرد مقاومت، مباحث این فصل از کتاب را تشکیل می‌دهند تا زمینه لازم برای عملیاتی کردن این ویژگی‌ها در عرصه حکومت جهانی فراهم شود.

در فصل هفتم در خصوص بعد سوم دولت، یعنی نقش دولت در بازتولید روابط قدرت بحث شده است. صیانت از نظم، تأمین پیش‌شرط‌های اقتصاد سرمایه‌داری مثل حق مالکیت، سیستم پولی و استانداردهای جهانی، با ثبات سازی گردش تجارت، توسعه مناطق کمتر توسعه

1. Robert gilpin

2. Nicos Poulantzas



یافته، بازتولید و کیفی‌سازی نیروی تولید و حمایت از محیط زیست، نقش‌های مهم حکومت جهانی است که در حال حاضر روندی رو به گسترش دارد. در این فصل، نویسنده می‌کوشد تا زیرساخت‌های عالی سیاست جهانی را که موجب پایداری روابط در جامعه جهانی است نشان دهد و چگونگی بروز و ظهور مقاومت و کارکرد آن را در برابر قدرت ترسیم نماید. همچنین در این فصل محدودیت‌های به وجود آمده در برابر اصل انحصار اعمال زور مشروع در دولت ملی نشان داده می‌شود.

«روابط قدرت در حکومت داری جهانی»، عنوان فصل هشتم کتاب است که در آن روابط قدرت بین نیروهای اجتماعی و حکومت جهانی تشریح می‌شود. در فصول پیشین کتاب، ساختار قدرت، سازمان‌ها و نهادهای حکومت جهانی مورد بررسی قرار گرفت. در این فصل، نیروهای اجتماعی به عنوان کارگزاران مقاومت در برابر قدرت دولت در سطح جهانی قلمداد شده و چگونگی بازتولید قدرت از سوی دولت جهانی و تأثیر آن بر نیروهای اجتماعی شرح داده می‌شود. نویسنده در این فصل توضیح می‌دهد که شکل‌گیری طبقات فراملی به ویژه در زمینه تجارت، سازمان‌های غیردولتی و کار اجتناب‌ناپذیر است و الگوهای جدیدی در قدرت و حکومت جهانی در حال شکل‌گیری است.

نقش آمریکا در فرآیند جهانی شدن، موضوع فصل نهم است. در تمامی فصل‌های گذشته، تجزیه و تحلیل انجام گرفته یک روند نظام‌مند داشت؛ اما در این فصل بیشتر بر سیاست‌های یک کشور خاص تمرکز شده است. این تغییر روش به خاطر نقش منحصر به فرد آمریکا در شکل‌دهی به نظم جهانی است. همچنین نظریات ارایه شده در هشت فصل گذشته، در این فصل به صورت موردی تشریح شده‌اند. فصل پایانی نیز شامل مروری کلی بر نتایج عملی و نظری تحلیل‌های انجام شده به همراه چند مورد جمع‌بندی مشخص است.

## نقد و نتیجه‌گیری

این کتاب، ابعاد سیاسی جهانی شدن را در قالب نظریه‌های علوم اجتماعی مورد بررسی قرار داده است. مشرب معرفت‌شناسانه نویسنده به اصل تکمیل بوهر بازمی‌گردد و در چارچوب اصل دوگانگی برگرفته از نظرات مارکس و گلبین در حوزه اقتصاد سیاسی و

نیکوس پولانزاس در حوزه نظریه‌های عمومی دولت، اصل قدرت / مقاومت را طرح کرده است. کتاب با اشاره به کارکردهای سیاسی دولت، شکل‌گیری نوعی سازمان و حکومت جهانی با چنین کارکردهایی را مطرح می‌نماید و توضیح می‌دهد که در جهان امروز، کارکردهای سیاسی بیشتری از دولت‌های ملی و در قالب نوعی حکومت‌داری جهانی تحقق می‌یابند. همچنانکه به موازات گسترش ارزش‌ها، قواعد و سازمان‌های جهانی، قدرت و مقاومت جهانی هم در حال شکل‌گیری است و مناسبات قدرت در سطح جهانی بازتولید می‌شود. با این حال، تبیین واقعیت‌ها نه صرفاً در قالب جهانی ممکن است و نه با تأکید صرف بر دولت ملی می‌تواند کامل باشد.

نویسنده با تکیه بر نظریه‌های کلی در علوم اجتماعی، رهیافت کارکرد گرایان را مبنای بحث خود قرار داده است. وی در کنار نظریه‌پردازی به مفهوم‌سازی گسترده دست زده و تلاش کرده واقعیت جهانی شدن و ابعاد سیاسی آن را با مفاهیم انتزاعی تشریح نماید، اما استفاده از این چارچوب، زمینه کم‌رنگ شدن برخی مباحث دیگر جهانی شدن را فراهم آورده که تشریح آنها می‌توانست بحث را کامل‌تر کند. برای نمونه با وجود بحث بسیار گسترده‌ای که در مورد افول دولت‌های ملی در سایه جهانی شدن میان صاحب‌نظران این حوزه مطرح است، (۷) نویسنده توجهی به وضعیت دولت‌های ملی در جهان امروز نکرده و این بحث را در سایه اصل دوگانگی نادیده گرفته است. همچنانکه نسبت میان دولت ملی و حکومت جهانی نیز مغفول مانده است.

از سوی دیگر کتاب به رغم تأکید بر طرح مباحث در بافت اجتماعی و تاریخی، توجه چندانی به مباحث تاریخی شکل‌گیری دولت ملی و جهانی شدن سیاست ندارد. آرایه مباحثی هرچند کوتاه در این دو زمینه می‌توانست میزان تأثیر عوامل، به خصوص عوامل مجازی را در تداوم سازمان دولت ملی بیشتر روشن نماید. سرگذشت مشترک و علایق تاریخی به رغم کم‌رنگ شدن تأثیراتشان در قیاس با عوامل کارکردی دولت‌ها، همچنان نقش‌آفرین بوده و می‌توانند در شکل‌گیری مقاومت‌های گسترده در مقابل جهانی شدن و بازتولید مناسبات قدرت مؤثر باشند.

## یادداشت‌ها

۱. روزنا، جیمز، «فرد، خانواده، جامعه و جهان» در رابرت دبلیو کاکس. *رنالیسم نو: چشم‌اندازی بر چند جنبه‌گرایی*، مهدی رحمانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰، صص ۱۱۹ - ۱۵۰.
2. Booth, Ken, and Smith, Stere, *International Relations Theory Today*, Cambridge, Polity Press, 1995, p. 21.
3. Luard, Even, *The Globalization of Politics: The Changed Focus of Political Action in the Modern World*, Houndmills, Macmillan, 1995; and Martin Show, *Theory of the Global State: Globality as an Unfinished Revolution*, Cambridge, Cambridge University Press, 2000.
4. OECD, "Towards a New Global Age: Challenges and Opporunities", *Policy Report*, Paris, OECD, 1997.
5. <<http://Web.Cbs.dk/departemants/iki/staff/people/mo/indeed.shtml>>
۶. در خصوص اصل دوگانگی و نظریه تکمیل بوهر، نک:  
<<http://www.hyperphysics.phy.astr.gsu.edu>>  
<<http://www.britannica.com/Bohr>>
7. Kenich, Ohmae, "The End of the Nation States", in Frank J. Lechner and John Boli (eds), *The Globalization Reader*, Oxford, Blackweed, 2000, pp. 195 - 242.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی